

■ دکتر حسین آسایش،

استاد دانشگاه

● قسمت دوم و پایانی

● اگر قرار است که توسعه‌ای

انجام گیرد و مستمر باشد

باید به طور اعم از مناطق

روستایی و بطور اخص از بخش

کشاورزی آغاز شود،

زیرا مسایل اساسی فقر گسترده،

نابرابری در حال رشد، رشد سریع

جمعیت و بیکاری فزاینده، همگی

ریشه در عدم توسعه و سیر

قهقرایی زندگی اقتصادی و

اجتماعی در مناطق

روستایی دارد.

شکوفاتر می‌شود، از این رو اشتغال و تولید در روستاها، ارتقاء می‌یابد و زندگی روستایی رونق روزافزون پیدا می‌کند. اینها سابقه رویدادها و پیامدهای تجربی زندگی بشر، به قدمت تاریخ مدنیت است.

طرح و اعمال سیاستهای اندیشمندانه متکی بر بررسیهای دقیق علمی، این "افق امید" را همواره برای ملت ایران روشن نگه می‌دارد که روستاها منبع و منشاء اشتغال، تولید و زندگی است. مشروط بر آنکه مستفکران، قانونگذاران، سیاستگزاران، برنامه‌ریزان و مجریان همراه با مردم روستایی برای توسعه و عمران آنها بکوشند. امید است که مسایل سیاسی و درگیریهای "اقتصاد نفتی" و پیامدهای اجتماعی آن باعث نشوند که اندیشمندان و مسؤولان این سرزمین پربرکت حتی دمی از فکر توسعه و عمران روستایی و تعالی کیفی روستائیان غافل بمانند.

است، جمعیت آن حدود ۲۵ میلیون نفر (یعنی حدود ۴۳ درصد کل جمعیت) است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که قدر مطلق جمعیت روستانشین در طول زمان افزایش چشمگیر داشته و از رقم ۵/۷ به ۲۵ میلیون نفر رسیده است. با این حال بیان می‌شود که جمعیت روستانشین، دارای نرخ کمی کاهش است. جمعیت آن حدود ۲۵ میلیون نفر (یعنی حدود ۴۳ درصد کل جمعیت) است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که قدر مطلق جمعیت روستانشین در طول زمان افزایش چشمگیر داشته و از رقم ۵/۷ به ۲۵ میلیون نفر رسیده است. با این حال بیان می‌شود که جمعیت روستانشین، دارای نرخ افزایش در حال کاهش است (ستون ۱۰ جدول ۱)، حال آنکه حدود ۵ برابر افزایش یافته است.

بنابراین، نمی‌توان نسبت به یک جمعیت ۲۵ میلیونی، که هر سال قدر مطلق تعداد آن اضافه می‌گردد، به بهانه اینکه نرخ رشد آن افزایش کاهنده دارد، بی‌اعتنا بود به ویژه اینکه این جمعیت مسؤل تولید از عرصه‌های طبیعی کشور هم می‌باشد. از این رو، روستاها نه تنها به عنوان عرصه‌های طبیعی تولید، بلکه به عنوان زیستگاههای بخش عمده‌ای از جمعیت که مسئولیت حیاتی تغذیه کل جامعه را برعهده دارد، مورد توجه هستند و باید هم باشند. به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که تفکر و فعالیت و تلاش برای پی‌ریزی مبانی لازم به منظور توسعه و عمران روستاها، حقاً و عرفاً و قانوناً یک الزام است که به هیچ وجه نباید در برابر توسعه شهرنشینی، حتی برای یک لحظه هم نادیده گرفته شود.

با اعمال سیاستهای پیشنهادی، انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی، در توسعه و عمران روستایی پی‌ریزی می‌گردد، امکانات و فرصتهای جدید و جدیدی برای ایجاد و توسعه اشتغال در روستاها مهیا می‌شود، تسهیلات ضرور نوسازی و بازسازی مسکن و بهبود محیط روستایی توأم با تاسیسات رفاهی توسعه می‌یابد، امکانات ارتباطی و رفت و آمد به روستاها به تبع این تحولات گسترش می‌یابد، تشکلهای قانونی و عرفی و تعاونی محلی پویا و پایدار می‌گردند، و در پی آن مشارکت مردم در اداره امور داخلی خود، روزبه روز

منابع و مآخذ:

- ۱- غیور فر، رحیم و رئیس السادات، سید محمد: محیط زیست و کشاورزی. رویش، نشریه کشاورزی استان خراسان، شماره اول، پاییز ۱۳۷۲، مشهد.
- ۲- مرکز آمار ایران: خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور، شماره ۹، مرکز آمار ایران، شهریور ماه ۱۳۷۱، تهران.
- ۳- مرکز آمار ایران: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۰، مرکز آمار ایران، بهمن ۱۳۷۱، تهران.
- ۴- شهبازی، اسماعیل: استراتژیهای توسعه کشاورزی. مقاله ارائه شده به اولین کنفرانس برنامه‌ریزی و توسعه، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، دانشگاه صنعتی شریف، ۲۱ تا ۲۳ دیماه ۱۳۷۰، تهران.
- ۵- شهبازی، اسماعیل: ادغام روستاها، یک اشتباه بزرگ - تاسیس حوزه‌های توسعه و عمران روستایی مدل درون زا - یک راه حل موثر، مقاله ارائه شده به دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و توسعه، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۲۱ تا ۲۴ دیماه ۱۳۷۱، تهران.

■ کاهش شدت نابرابری روستا و شهر بعد از انقلاب اسلامی

گفتنی است که مطالعه نابرابریها در نقاط شهری و روستایی کشور در سالهای اخیر، نشان می‌دهد که از شدت این نابرابریها به نحو قابل توجهی کاسته شده است، که ناشی از اقداماتی است که در سالهای اخیر در این زمینه صورت گرفته است. روستاییان نیز در مقایسه با گذشته از امکانات بهداشتی و درمانی چون آب لوله کشی، مراکز بهداشتی، درمانگاه، پزشک و نظایر آن بیشتر بهره‌مند گردیده‌اند. (جدول شماره ۳)

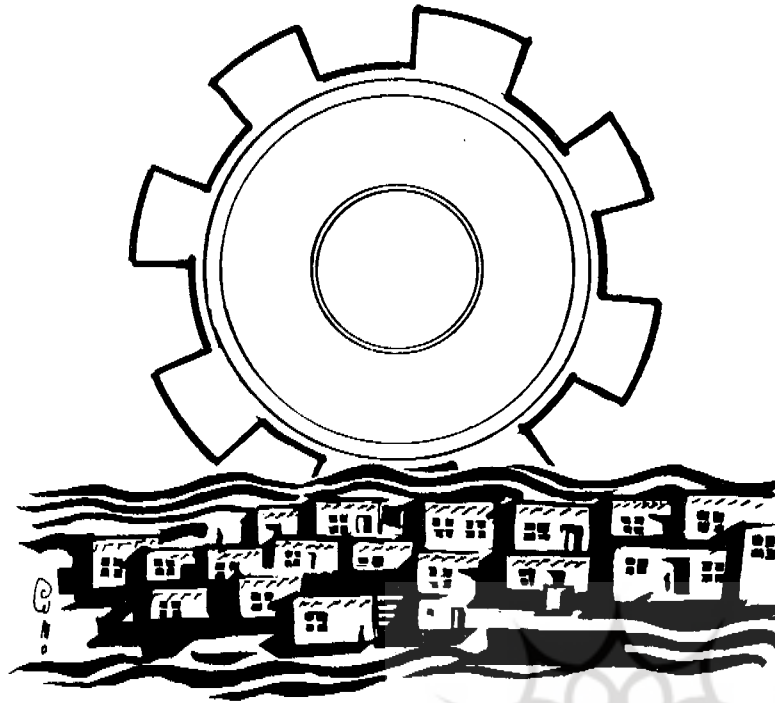
براساس یافته‌های آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰، میزان باسوادی در جمعیت شش ساله و بیشتر کشور در مناطق روستایی به ۶۳/۱ درصد رسیده است. هرچند در این زمینه شرایط مطلوب آن است که کلیه افراد شش ساله و بالاتر کشور باسواد باشند و کشور ما، تا نایل به این هدف فاصله زیادی دارد، ولی مقایسه این میزان با میزان مربوط به قبل از انقلاب اسلامی، افاق روشنی را ترسیم می‌کند. در سال ۱۳۵۵ میزان باسوادی در جمعیت شش ساله و بیشتر کشور، ۴۷/۵ درصد بوده و طی ۱۵ سال این رقم به ۷۴/۲ درصد رسیده است و قابل توجه‌تر از این، تحول میزان مزبور در مناطق روستایی کشور است که از ۳۰/۵ درصد به ۶۳/۱ درصد افزایش یافته و بالاتر از میزان مربوط به کل کشور در سال ۱۳۶۵ نیز قرار گرفته است.

جدول ۳ - سهم جمعیت باسواد در کل کشور، نقاط شهری و روستایی در مقاطع سرشماری

شرح	میزان تغییرات درصد باسوادی				سال سرشماری		
	۱۳۳۵-۶۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۲۵-۵۵	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۳۵*
کل کشور	۴۷/۱	۱۴/۵	۱۸/۱	۱۴/۶	۶۲	۴۷/۵	۲۹/۴
نقاط شهری	۳۹/۹	۸/۸	۱۵/۰	۱۷/۱	۷۳/۲	۶۵/۴	۵۰/۴
نقاط روستایی	۳۳/۳	۱۷/۹	۱۵/۴	۹/۱	۴۸/۴	۳۰/۵	۱۵/۱

* درصد باسوادان در سال ۱۳۳۵ در جمعیت ده ساله و بالاتر و در سال ۱۳۴۵ در جمعیت هفت ساله و بالاتر معاینه شده است.

بررسی‌های به عمل آمده در زمینه خدمات درمانی، نشان دهنده افزایش پزشکان در روستاهای کشور است. مجموع پزشکان در روستاها در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۱۴۰۵ نفر بوده است، که در مقایسه با



است که حتی لحظه‌ای غفلت در این زمینه می‌تواند کلیه دست آوردهای موجود را تحت تأثیر قرار دهد و از بین ببرد.

■ مشکلات و مسایل امروز جامعه روستایی در راه حلها

بنابه گفته یکی از دست‌اندرکاران (۱۳) نهادهای انقلابی علی‌رغم خدمات گسترده‌ای که از سوی دولت و نهادهای انقلاب در روستاها ارائه شده و پیشرفتهای چشمگیری نیز در گوشه و کنار و یا بخش خاصی حاصل شده، هنوز فاصله واقعیت‌های موجود و اهداف پیش بینی شده بسیار زیاد است و ما امروز شاهد مسایل و مشکلات فراوانی در جامعه روستایی هستیم مشکلاتی از قبیل:

- مهاجرت تدریجی روستاییان به شهر و افزایش تعداد روستاهای خالی از سکنه.
- گسترش بیکاری پنهان و آشکار در روستاها.
- عدم توازن در توزیع خدمات در روستاها، همراه با انبوه نیاز به خدمات
- فسق‌دان امکانات آموزشی متناسب با جوانترشدن ترکیب سنی جمعیت
- عدم گسترش فعالیت‌های اقتصادی و فرصت‌های

کمیت مشابه در سال ۱۳۶۵، افزایش معادل ۱۷/۶ درصد را در بردارد. (۱۱)

پیراپزشکان مقیم مناطق روستایی کشور نیز در سال ۱۳۶۵ تعداد ۸۵۳۷ نفر بوده‌اند (درمقابل هر ۲۶۲۳ نفر روستایی یک پیراپزشک) این شاخصها و کمیته‌ها در سال ۱۳۷۰ نیز افزایش داشته است. در حالی که پیراپزشکان در سال ۱۳۷۰ به ۱۴۱۶۳ نفر بالغ گردیده‌اند که در مقایسه با سال ۱۳۶۵ در حدود ۶۶ درصد افزایش داشته است (به ازای هر ۱۵۶۸ نفر

روستایی یک نفر پیراپزشک). (۱۲)

همراه با این ابزار خرسندی که به جای خود ضروری است، باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که سرعت افزایش جمعیت در کشور ما به گونه‌ای

- عدم دسترسی به خدمات اساسی مثل آب سالم و مسکن مناسب
- تخریب محیط زیست و از بین رفتن تعادل‌های لازم برای ادامه زندگی.

مشکلات فوق و مشکلات فراوان دیگر در زمینه تولید و بهره‌برداری از منابع آب و خاک و همچنین نداشتن الگوی مناسب برای مدیریت روستا و مشارکت مردم در امور و کمبود آگاهیه و آموزش‌های عمومی، مشکلاتی است که جامعه روستایی کشور ما با آن مواجه است.

قطعاً بدون ریشه‌یابی و تحلیل شرایط، گسترش فعالیتها و خدمات ناهمگون و نامتوازن چون گذشته، تأثیر فراوانی نخواهد داشت و مشکلی را حل نخواهد کرد و بخش کشاورزی در اثر این شرایط و استراتژی، تبدیل به عنصر کم توان اقتصادی خواهد شد که به جای کمک به اقتصاد کشور، موجب لنگی آن خواهد گردید.

براین اساس، لازم است که همه سازمانها و نهادهای بخش عمومی، مانند نهادهای انقلابی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اهم فعالیت خود را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم معطوف به توسعه روستایی سازند. نکته مهم دیگری که نباید فراموش کرد توصیه یا اندرز "گونامیردال" اقتصاددان پراوازه به پژوهشگران جهان سوم است که: "کشورهای در حال توسعه نباید میراثی نظری ما را به همان شکلی که بیان شده است، بپذیرند بلکه باید آنها را بازسازی کنند و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی و براساس هدفها و مشکلات خویش مورد بهره‌برداری قرار دهند.

برای نیل به هدفهای توسعه روستایی، حتی پیمودن مسیر عادی پیشرفت، کافی نیست، بلکه سرعت بیشتر، بر پایه برنامه‌های منظم و منطبق با اوضاع اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی الزامی است. و جای تردید نیست که دسترسی به رشد و توسعه مناسب، همگام با تأمین رفاه و عدالت اجتماعی، باید با تلاش واقعی و همه جانبه ملی همراه گردد و به نحو مناسبی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور گنجانده شود.

کشاورزی و روستا را باید با شرایط امروزی، پیشرفته و بارور ساخت و در این تلاش، آماده سازی زیربنای تعلیم و تجهیز نیروی انسانی و تأمین رفاه جامعه روستایی، باید آن چنان باشد که در هر منطقه،

کلیه امکانات و منابع تولیدی و عمرانی و اجتماعی به کار گرفته شود، تا علاوه بر تأثیرات اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زندگی، مانع مهاجرت سیل آسای روستاییان به شهرها گردد و کشور ما را که با افزونی جمعیت و تقاضای فزاینده رو به روست، به خودکفایی نسبی در تأمین مواد غذایی و مواد خام صنایع داخلی برساند. در غیر این صورت، مسایل مربوط به کشاورزی و توسعه روستایی، پیچیده‌تر، هجوم روستاییان به شهرها بیشتر و مشکلات شهرنشینان افزونتر و زندگی در شهرها غیرقابل تحملتر خواهد شد. بنا به نظر متخصصان، توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع گردد، بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای

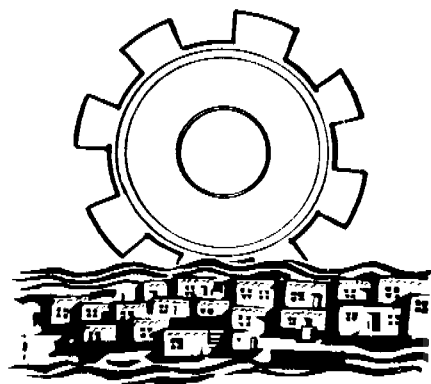
● توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع گردد. بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری قادر می‌سازد. ناتوانیهایی که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی شان نگه داشته است. این طیف، شهر نشینی را نیز شامل می‌گردد و شعاع عمل نتایج و مفاهیم آن از نظر سیاسی و اجتماعی بسیار زیاد است. با این همه کاری است که باید صورت گیرد.

یادآوری این مطلب ضرورت دارد که مبدا برنامه ریزی توسعه مراکز روستایی به اکسیر متداول جدید تبدیل شود (مثل تشکیل شرکتهای کشت و صنعت و شرکتهای سهامی زراعی و... در گذشته) که برنامه ریزان ما، در برنامه دوم توسعه اقتصادی -

محدوده نظام اقتصادی و اجتماعی موجود عمل کنند. ائتلاف داراییهای موجود، یا ارائه پروژه‌های مراکز زرق و برق دار و چشم پرکن جدید که بعضاً در طرحهای روستایی دیده می‌شود، یقیناً پاسخ مناسب و مطلوب به مسامحه و غفلت گذشته‌ها نیست.

فقر بدتر است، اما پول دور ریختن از آن بدتر است ... فقرا ممکن است روزی غنی تر شوند، اما اسرافکاران هرگز غنی نمی‌شوند، بلکه روز به روز فقیرتر خواهند شد. "ضمناً" نباید فراموش کنیم که در این راه ناگزیریم کمتر به نظریه پردازیم و بیشتر عمل را مد نظر داشته باشیم. ما ناگزیریم با درآمد کم و امکانات محدود، به بازده خوب و حداقل قابل قبول دست یابیم و این ممکن نیست مگر اینکه

اجتماعی و فرهنگی کشور در سطوح ملی و منطقه‌ای و محلی، برای رفع هر مشکلی از آن استفاده کنند. این امر مسلم و غیر قابل تردید و تغییر است که هر چه قدر هم مناطق روستایی مهم باشند، فقط می‌توانند در



● توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع گردد. بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری قادر می‌سازد.

فقر بدتر است، اما پول دور ریختن از آن بدتر است ... فقرا ممکن است روزی غنی تر شوند، اما اسرافکاران هرگز غنی نمی‌شوند، بلکه روز به روز فقیرتر خواهند شد. "ضمناً" نباید فراموش کنیم که در این راه ناگزیریم کمتر به نظریه پردازیم و بیشتر عمل را مد نظر داشته باشیم. ما ناگزیریم با درآمد کم و امکانات محدود، به بازده خوب و حداقل قابل قبول دست یابیم و این ممکن نیست مگر اینکه

فقر بدتر است، اما پول دور ریختن از آن بدتر است ... فقرا ممکن است روزی غنی تر شوند، اما اسرافکاران هرگز غنی نمی‌شوند، بلکه روز به روز فقیرتر خواهند شد. "ضمناً" نباید فراموش کنیم که در این راه ناگزیریم کمتر به نظریه پردازیم و بیشتر عمل را مد نظر داشته باشیم. ما ناگزیریم با درآمد کم و امکانات محدود، به بازده خوب و حداقل قابل قبول دست یابیم و این ممکن نیست مگر اینکه

تجربه و دستهای خوب خودمان را با علم و تکنولوژی جدید همراه کنیم، زیرا این نظریه‌ها و طرحهای غربی به دلیل هویت محرز صادراتی - مانند دیگر کالاهای صادراتی - نه تنها منافع مادی و معنوی کشور مقصد را ندیده می‌گیرند، بلکه تحت عناوین جذاب و فریبنده کمکهای علمی و فنی و اقتصادی، تار و پود هستی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و خطرناکتر از همه هویت فرهنگی این ممالک را از هم گسسته و این کشورها را شدیداً وابسته به جهان علم و تکنولوژی معاصر می‌نمایند. تاریخ برنامه‌های عمرانی کشورها با همه عمر کوتاهش پر از این وابستگی‌ها است که خود به بحث جداگانه‌ای نیاز دارد.

■ چه باید کرد؟

با پذیرش این اصل که به هر حال، رشد همه

جایگاه روستا امکان پذیر است و در غیر این صورت، حتی تصور آن امکان ندارد، تا رسد به عملی بودن اقداماتی که در زمینه توسعه کشور به طور اعم و توسعه روستا بطور اخص صورت می‌گیرد.

جای بسیار خرسندی است که در فرایند تنظیم برنامه دوم، زمینه و جایگاهی فراهم شده که طی آن امیدواریم خط مشی‌ها و استراتژیهای عمران و توسعه روستایی توسط مراجع ذیربط مورد تصویب قرار گیرد و به اجرا گذاشته شود.

در پایان اگر مطالب فشرده فوق توانسته باشد این نکته را به برنامه ریزان و علاقه مندان توسعه روستا القا کند که کانونهای قدرتهای صنعتی و حکومتی و سیاسی جهان ما، در حال حاضر در حالی که پای استوار در شهرها دارند، چشم توقع و دست نیازشان روز به روز بیشتر متوجه روستاها است،

● در صورت تقویت یک پا و عدم تقویت پای دیگر، نه تنها بر حرکت وی نمی‌افزاید، بلکه موجب عدم تعادل می‌گردد، تکیه بیش از حد بر یک بخش از اقتصاد، موجب عدم تعادل و حتی از هم پاشیدگی اقتصادی در یک جامعه می‌شود.

جانبه کشور بعد از این همه نابسامانیها - بهسازی، بازسازی، نوسازی - رونق اقتصادی و درمان این همه نارسیایها، باید لزوماً جنبه درونزا داشته باشد و از درون جامعه ما بجوشد، تا ضمن تأمین و تضمین یک پیشرفت همه جانبه سریع، به ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور نیز جنبه انسانی بدهد و قشرهای انبوه جامعه روستایی از سلطه محرومیت و نابرابری با بیشترین سرعت ممکن، نجات پیدا کنند، می‌رسیم به یک سؤال اساسی، چه باید کرد؟

در برابر ابعاد وسیع مسأله روستا و جایگاه آن در میان سایر مسایل کشور، اصلی ترین پیام‌ها این است که باید شناخت واقعی از جایگاه اقتصادی و اجتماعی روستا به عنوان یکی از محورهای برنامه‌ریزی رشد همه جانبه اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی کشور حاصل شود. به همین دلیل تأکید می‌کنیم که توسعه تنها در چهارچوب شناخت

از کل جمعیت دنیا به طور مستقیم و غیر مستقیم به درآمد حاصل از زمین بستگی دارد، این مسأله در تمام کشورهای جهان در خور کمال توجه و اهمیت است. برخلاف تصور عده‌ای هنوز دودهای بسیار غلیظ و سیاه دودکشهای کارخانه‌های بزرگ صنایع سنگین کشورهای صنعتی، نتوانسته بر روی این واقعیت که کشاورزی تغذیه کننده انسانها و اساس تمدنهاست پرده بکشد، بلکه دانشمندان علم اجتماعی و اقتصادی این ممالک مثل دکتر کسنای^۷، مالتوس^۸، ریکاردو^۹ و حتی اقتصاددانان معاصر مایکل تودارو^{۱۰} و امثال اینها با کمال صراحت تفوق و برتری کشاورزی را در همه جوامع، تصدیق و تأیید کرده‌اند و اغلب در نوشته‌های خود درآمد حاصل شده از خاک کشاورزی را اصل و مبداء تمام ثروتها می‌دانند.

مایکل تودارو، در این زمینه چنین می‌نویسد: "اگر قرار است که توسعه‌ای انجام گیرد و خود مستمر باشد باید به طور اعم از مناطق روستایی و بطور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود. مسائل اساسی فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، تماماً ریشه در رکود و اغلب سیر قهقراپی زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد." (۱۴)

نهایتاً تحولی که بر حسب آن عده بسیاری توسعه کشاورزی و روستاها را امر ناگزیر توسعه ملی می‌دانند. بدون توسعه کشاورزی و روستایی، رشد صنعتی یا موفق نخواهد بود و یا اگر موفق شود چنان عدم تعادل شدید داخلی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد که مشکلات فقر گسترده، نابرابری و بیکاری قطعی تر خواهد شد. (۱۵)



بی‌نوش:

۸ - Malthus (Tbouas - Roocrt) اقتصاد دان انگلیسی (۱۸۳۴ - ۱۷۷۶)

۹ - Ricardo (David) اقتصاد دان انگلیسی (۱۸۲۳ - ۱۷۷۲)

۱۰ - Toudaro, Michael اقتصاد دان معاصر

فهرست منابع و مآخذ:

۱۱ - منبع شماره ۴

۱۲ - مطالعات شناسایی مناطق محروم کشور - سال ۱۳۷۰

۱۳ - طرح نظام اجرایی توسعه و عمران روستایی - مجله آبادی سال دوم شماره ۷ - عباس احمد آخوندی

۱۴ - توسعه اقتصادی در جهان سوم - مایکل تودارو - جلد اول ص ۴۱۴ - سازمان برنامه و بودجه

۱۵ - همان منبع بالا - ص ۴۱۵